

دنیای ایران در هفته پیش

هفته پرورزی

- » هر سال این هفته، برای ملی آزاد و صلح و
- » در سراسر جهان هفته انتظار، هفته پرورزی است
- » زبیر از اینروزها بود که شوق صلح با اسرائیل و
- » جنگ و محرومیت، زویر از مدتها که مردم
- » جهان در برابر فریادهای دوار انگیز همهجگرم
- » سو میشد - در آن تیره و خوئین گزینی بهمدار
- » گردید

در تهران

دست آکراد افتاده اند اعلام می‌دارد.
 آقای زور آل سفیر کبیر جدید
 امریکا استوار نامه خود را به مقامات
 روسی مقرر کرد.
 زمره عالی در اطراف کابینه نشسته
 میشود و خود روزهای در شوال و بیسی
 نقاط دیگری پنهانی و آشکار اجام می
 خورد از شروع انتصابات هنوز خبری نیست
 تهران مانده هم جا روزهای دشوار را
 میگذراند.

حقایق اوضاع سیاسی جهان

ناز هم از شوراها امنیت

در ۲۳ ژانویه ۱۹۴۵ آلمانهاگان
 ۵۱ مرد از طرفیک بلژیک و نیم
 دولت آلمانی متورم ملی منتقل و از سنه
 آزادی و حریت بر سر اوضاع کرده.
 این سازمان متفقین با یکدیگر
 کک و التلاقی انگلیس، شوروی و امریکا
 بیان کرده و همه هم شکفته که
 این تشکیلات نوین را دوچار سرفروشی
 نظیر «دیج اتانق مال» گفته نگذند
 و در سایه یک همکاری سوافاتانه اینت
 سازمان ناموزن با تنج صلح دائم با یکدیگر
 قرین سازند.
 این تصمیمهای اولیه برد و هنوز
 کافه متشور ملی متن شکفته تدبیرات
 بسیار جسیی در وضع صلح و جهان و
 پانتهیه مشکلاتی در راه ادار سازمان
 پدید آمده بود. خبریکه هر هم مؤلفیت
 های پایایی و چنه روزه اخیر این شورا
 در حقیقت حکم تیرادی برای اصلاح صلح
 جر بود.

در حال این راجه سیاسی تاکنون
 به حل کوچکترین موضوعی موفق نشده
 و فقط از مندای و بیرون های منمند
 آن و بهترین وجهی اشتراک کامل برای
 تبلیغات شده است و بی .
 در تمام دوره اولیه از این امر
 طوری که دیدیم موضوعی از این عنوان
 و بزبان و سورج مطرح بود و سرانجام
 هم نتیجه از آن گرفته نشد و هنوز
 این دوره مبعدها نیز سر قشبه ایران و
 آسیای هورا است و یک موضوع سامدرا
 آن بود و بیج و تاب دادند تا دیار با
 چیه مختلف بیخود شده در حال حاضر
 طبق اظهارات رئیس شوراهای متورم
 و همچنین در خصوص تحلیلی ایران ارتش
 شوروی یا آلیا رسیده فعلی ایران انگیز
 جزو دستور باید با پای بیانه شده یا یا
 نیز با اینکه ظنفریک از آن قسمت صلح
 و آزادی را تهدید میکند صلح است

تاریخ و حاوی پرورزی کامل در صلح موعود
 بود و اکنون از فرزادریان کوششهای
 اروپا گذشته و به سراغ مرین راموش
 شده و دور افتاده خود مبروم .

دو ایران ما چه میگذرد؟

روز بروز آسای داخلی مشکلات
 سیاسی کشور زیادترو پیچیده تر می شود
 ولی چیزیکه مسلم است همان موضوع
 است که در صبار لومین و تکرار می کنیم
 که کشور ما جزئی از دنیا است و در
 این که از مشکلات داخلی مابوی از سیاست
 جری نهی می شود مری نیست و تا
 قضایای سیاست جهانی حل نگردد باید به
 حل مسائل داخلی نیزوان داشت .
 حتمی است که ایران هم در تقاضا تردید
 بوضع جسیی اقی سیاسی جهان را نهدید
 می کند چطور می توان امید داشت که
 در ایران ما که هر چند سیاست مختلف
 است اما از آره ما کنه سرفروند .

هر صورت دو راس قضایای تیره
 داخلی مسئله کردستان، آذربایجان و
 مشکلات سیاسی داخلی قرار گرفته است
 در خصوص آذربایجان اصولا تقاضی
 حاصل نشد . چون دولت حاضر بورد ۷
 ماده کلی به اعلام به ملت آذربایجان
 داده، همه چیزی اضافه کنه و نمایندگان
 آذربایجان نیز در سه موضوع زیر
 ارتش، بورد، اراضی که محل انیام
 شده است جدا یا خشاری میگردند .
 بالاخره از آن یکی دو هفته که گذرات
 قیام نیز ادامه داشت آذربایجان و شوروی
 مهران از بیون کوچکترین مفتیحه
 تهران ارتکبی میگردند هر حال پس از این
 مذاکرات پای آور وضع آن نقطه ای
 خواهد شد معلوم نیست ولی وضع آینه
 را در سه سنه از بیون متوجه کرد
 ۱ - حقوق جنگی است ۱۱
 ۲ - حقوق کابینه ملی یا تشکیل
 مجلس موسمان و یا شروع انتخابات و
 افتتاح مجلس با از هم که هر دو سبزو
 قضایای است که تصور انیام و همی
 خدمت آن کی مشکلات است

۳ - پایبندی به وضع آذربایجان و
 کردستان بیست تریه تارود شدن
 وضع کامل سیاست جوی بیستی پوشیدن
 ساسهای سیاسی موجود بین آنکس و
 امریکا از یکطرف و شوروی از طرف دیگر
 در کردستان چه خبر است ؟
 اعلامیه منتشره از طرف ستاد ارتش شوروی
 زود خود های معلی را در بعضی از
 قسمتهای حکومت تکذیب میکند و
 حالیکه وادی تیریز و بعضی از اردو و
 های یگانه حتی مدد امراتی را که به

آلر ۰۰۰ آلر ۰۰۰ (شوروی
 کلوریک) زور خیرا چه جدید دولت آلمان
 از ادوبی (پشتی بورد) برای همه جایان
 خودمسیاست به سامدرا دولت شوروی
 منتشر میکند . بیان تکرار میکنم
 همه دلبا میزید، بشریت بیخوست
 آزاده تنس کنه بسن ضرورت ندارد
 دیگر به از این توپها شلیک نمیکند.
 دقیقه تاریخی آغاز میگرد دوری
 طول میکشد، و زور خیرا چه جدید که
 ایوانی در تیریز چنه زوری استزام
 امور سیاسی را در دست گرفته، و دنیا
 پیشانه نود که تسلیم بلا شرط آلمان
 مانور و بیایدند .
 طغیان این نقطه تاریخی راه همی
 میکند چنه بیان رسیده . امروز طبق
 اخبار دارد ولی باز هرچیل به فعالیت
 دفاوار و قابل تحسین خود ادامه میدهد
 و هنوز مشغول مذاکره با مسکو و
 واشنگتن است . رلیبه سلوط کرد،
 بیروهای امریکایی به ارتش آذربایجان
 سرخ میروند، و چه در دادگاه ملی
 افغانی سبک و اعدام شد، مریز مردم
 و سران نانیست در دام برهن و دستگیر
 گردیدند .
 ملیوهاردم معرور که ساساپار
 جنگ را در ورش ناتوان خود صلح و
 آفرتا از ستل (پیروزی) رسانیده اند
 در مقابل «دکتر ایمن» و «کریمن»
 چنه قصور و تضار پرورزی خود موعود
 میکنند .

در مدت چند سال بیروهای بوانه
 آلمان یکی پس از دیگری به مواضع
 صلح طلب آزاد مانده رزور دانیان
 و چلت و بلژیک و فرانسه و یونان که
 دست در زیر یکجگلد و دشمنان داخلی
 شدند و با میزبند ناخود بر اروپایی
 اسیر سلط گردیدند و پس از چندی به
 کشور آذربایجان شوروی نیز سلطور
 گردید و شکستهای در بیروهای
 مسکو، و ارتش بیج داد و در محرمی
 سوزان ارتقا نیز خیرات موسوی
 سایه بان انگلیس و امریکایی واردود
 ولی در غیر استانتی کراوانی
 بعد مغرب بود شوروی ارتش آلمان
 بورد زیرا در این دو پانگه پانگه
 بی مانشن جنگی و نا زیبا و وارد آمد
 که تمام به شکست نفسی آلمان
 پایان یافت

هر صورت جنگ دوم با هوای گرانی
 میباید برسد و دنیا زوایای مابوی موسوی
 بیابن بی شکل تلفات جانی و روحی
 و بیراهی به خاطر یک تسلیم جوی
 بیست ساله خود برداشت و پس از آن
 به اشتیاق با زاهدان سیاسی، منت تکرار
 می شود و صلح و آرامش به بی تربت
 وجهی دور برود تهدید میگردند
 جنگ هنوز قطع نمیشد، تنازعهای سیاسی
 با اینکه به تمام آنتن آنتن جن
 الللی سور را دامنه مزید .
 هر تیریز ایران همی خواه خواهد
 در اینت میانه شتی را بر همه گرفتو
 از این معروضیت های مبعده نصیب
 و افری دارد .
 این نسله ای از یک نامه گفت

سر آن درواست و بالاخره سرانجام
 شوراهای متجده خواهه بود اصولیست
 از الجمن و وزراء خارجه در
 پاریس

معلوم بود از این اجمن به نتیجه
 عاید نمیرساند آطوریکه معلوم است
 حتی در باره موضوع ایالتی دستورات
 این دولت و سایر مسائل جوی بیستی
 مؤلفیت پدست نیامده است و می گویند
 ممولتس چها از دخلتالی انگلیس در
 مصر امتزاس نود است
 در روزهای اول تقیه ایالتی ارتش
 کشیده و ولی بی از مدتی معلوم بود
 بعل این مبعول نالود لیستند .
 آمده تا بیان صلح با نلاند رسد و دولت
 را تدوین کند . اینچها هم نتیجه نامه
 سلطه خود است . هر صورت بر کارهای فرود
 کرده تا پای متاع چهار دول بود
 پیش آمده نه تمامه . بالاخره باز
 اینچه هم موقتست مریس پیشان
 کرده که ملی این امور با صلح صلح
 و آگدار شود ولی این پیششاده هم چون
 با روح تحسینات مسکو مخالف بود و در این
 که در سایه مابیه است «بیرون»
 با هم توافق نظر داشتند و در یکطرف
 بودند و در وقت بعضی اوقات پیوه
 در صف دیگر میشینند . هر صورت
 اجمن چهار دولت این بود که نماینده
 در با صلح صلح . از ۲۱ دولت موعود
 زورن تشکیک میشود معلوم نبود ولی در
 اینجا بیخ این ستراک است مشکل است
 موعود با بیج از ۲۱ دولت در آن
 حرکت دارند میوانه پیش از تکذیب
 چهار مؤلفیت و جمل اینچه میگذراند
 ترعه سوز شاه را امپراتوری
 بر تپا!

اینکه تره سور در موقع صلح
 و جهت بی نهایت قابل توجه است
 در هر دو بیج از ۲۳ دولت که
 از این مریس هر مریس از ملون که
 گویا از ترعه پاماشا بیشتر از ۲۰۰۰
 تن کشتی و لیستند .
 بطوریکه در جنگ جویسی اینچه
 ارتش وانی از بیج سلطه و به
 در بیروزی اولین مریس موعود
 این ترعه قابل بود
 محافظت جیبی که در تمامی مدت جنگ
 ارتش بر تپا ایالتی این ترعه میشود
 شکفتی است و لریا مراهجه تاریخ معلوم
 میشود که اصولا ممولتس خیرا ایالت
 از زمان ناپولن اهمیت بسیار پیدا
 کرد است . همگامیکه جنگ بیرونی
 پایلوتن را در مصر تصرف نمود و
 سیاست مهران بر تپا ایالتی با صلح نمود
 افتاده چله شد
 با اینکه سالیاموروساد تحت تصرف
 اینتولعه بود به از مدتی دستمستاق
 ولی در ۱۹۳۲ طبق یکبار داده بود و
 استراز داده شد که برای سه ولت
 (۱۰۰۰۰ سرباز و ۵۰۰ خانج) در
 آنست که مهران از بیج بیسان بیوزنوت
 خود پالی است و نافع با صلح با صلح
 اظهار دارد ولی چون این نافع با صلح
 وانی کشور آزادی است . نامطلبات
 مصر نیز این اراده را خوستانند
 در مقابل نمایندگان مراهجه کلر بلان
 و این مورد بخوات صلح جدا مخالف
 میباید

گرمناشه متروک

۱۹

سینجایی

۳-

بهد از مرحوم حسن خان ریاست طایفه سنجایی به پسر کوچک مرحوم پسر صدخان صمصام‌السلطنه سنجایی رسیده زباجوسه اشتیاق و اقتدار سنجایی در زمان مرحوم صمصام‌السلطنه و پسران او (قاسم سردار ناصر علی آگیر سردار منصور حسین لار ظفر) بوده است. مقام مرحوم صمصام‌السلطنه در سرشت اوصاف عالی اخلاق - شجاعت - صلوات - حسن معاشرت - استقامت - بردباری و مردم‌داری (با احساسات متناهی و زمان خواهی و فرور ملووس نفاکاری و زمان بوده است. مرحوم صمصام‌السلطنه هفتاد سال زندگی کرد و در مدت هفده سال (که آخرین مراحل زندگی خود را میپوشید) است. مست سوسی حکومت و سر سلسله داری سرخ شیرین را که یکی از اساطیر مردم مری می‌شمری ایران است هیبه دار بوده است و چون خود به امور مردمی اشتغال داشت رفیق و فتن امور ایلی سنجایی را به پسر اشرف خود (سردار ناصر) واگذار کرد. از اتفاقات مهم حیات صمصام‌السلطنه نبض آرزوی بخش مشروطیت و سپس جنگ‌های ایران و روس و نواحی مختلف بایران بوده است. طایفه سنجایی در صوف آذربایجان و مشروطه مطایبان ایران وارد شده بود و بیشتر متوجه مشروطه خیزان آذربایجان و شمالکای و جاهشالی میسر می‌شدند و قیام و اقدام کردند. طایفه سنجایی در مصمصام‌السلطنه سرداران آنها سنگت و ممان مردم آذربایجان ایران بود.

قدار آگاهی طایفه سنجایی در جنگ جهانی

در جنگ جهانی اول (۱۹۱۴ - ۱۹۱۸) اولین دولتی که بیطرفی ایران را در صحنه غرب تقبل کرد دولتی بود که نیروی نظامی خود را بر طرفنامه‌ی و توفیق بیاورد با اهدا شد و تا قاضیه کرد به پیشروی کردند. اینها طایفه سنجایی را که در جنگ جهانی اول در صحنه غرب نماز کرده و در حال جنگ بود از آن یک آذربایجان بود. در خاک ایران خاک برده است. سپس در زمان مهاجرت ملیون آذربایجان و ایران به گرمناشه متروک حکومت موقت دفاع ملی طایفه سنجایی به سفون پیرست. نور است. دروغ‌فروای لشکری نزاری به سرکردگی آرمال بازرگانی به مدافع غرب نماز کرده و در حال آن که همه مردمین وطن و ایران در جنگ سنجایی تشکیل

داستان جنگ های خودیست و ندا

کرامت‌های آلمان طولانی است پس از پیروزی روسی و دوم شکست فرعون ملیون در نهایت به طایفه سنجایی

مناره دزدان

۳۱-

فریاد های تسبیح و باوور نکردن را می‌شنید که با هلقه سرگشت خود در مناره دزدان از دهان ده ما شاگرد بیرون می‌آمد. اما فکرتی کوچک خوشبختی‌های خیالیش را به کفه میل ساخت. ترک کردن را فائیل. بیست و یکت دوست صمیمی برای او بسیار گران بود او هر نفسی توانست تحمل فریاد او را بنماید. با خود گفت که در اناهیام باید به انگلستان بیاید. او اینجا در طلب است.

در دهان لظه‌ای که محسوس جوان در آنه به هیاهای دور و دراز و تنگنات بسیار مشغول و از خود بیخود بود فائیل را از انتهای جنگل مشاهده کرد که سر بزرگ جابج او بیست و نهم آه چقدر آهسته آهسته با بدخدا صورت او چرخ انگیزه بر اثر هوشیاری و شکست فائیل نزدیک میشد و هر نفسی که بیشتر میگفتند گویی ترس و وحشت محسوس بیشتر میشد از توده های سنگی که در کتف هراس بود بالا رفته از انطرف پناهگه رسید او بود چه میشود حرف فریادش.

هراس ملایم و متعادل او که همه روزها فائیل و او می‌نمود این بار نشیبه در خلعت رنگ از روی فائیل برسد و صورت او را از او پنهان کرد. دست سبک فائیل بر وحشت فراوان خود بیخود فریاد کرد: در اناهیام حرف فریادش مگر چه فداست؟ فائیل بر سرش که نامعاشق میگردید مرنده است؟

این بار فائیل سر را بلته فریاد و گفت غیر او حاشا بیست و یکت

آبا اغیار به یک کعب کرده ایند آبا این اغیار مربوط به شامت با بن ۱ و چون اغیار شامت که در هراس بود جواب ایگما بیکر محسوس جوان بامداد بلته چنین گفت: بگویند بگویند هر چه باشد از تریه و در دلی بهتر است. من حاضریم که غیر شما را بشنوم

محسوس جوان بامدادتی محکم سخن میگفت اما او هم رنگ بریده بود فائیل به لاغری تسلیم اصرار او شد چنانچه گفت: امروز جرم من است از همه مردمه است.

هراس بی برده و دگه که فائیل غیر ناگواردی باو خود امداد امانی طبیعت خود را دریافت چون بزرگزدن محسوس بی و بی حرکت درجای شامت شد آفراتو مرده بود، چه باید کرد؟ با بی‌توانست در جهت جدایی در قدرت خود را تسلیم شد غم محسوسش نمایه گزیده گزیده شده استوائت حرف بر زند میخواست چیزی بگویند از شمت ترس پارگی از است.

هرپ است) و تا اکنون شمت رفت های آن بیره برآدی می‌کند و بلانچه امروزه با آنک سنجایی و پرورش گوماند بسیار علائنه بیانشه و از طرایب زولفته حرف محسوس بی و شمله و عمل و مرتخ شتلاقی کانی نادیده و غلابا مجبور می شوند برای بدست آوردن مرتخ و امان کور دست نظرون شود.

فردا صبح جوان چنان سرگرم صحبت بودند که مدای سوزی را که از انطرف تپه می‌آمد نشنیدند. اما بزودی بیشتر مشاهده کرد که از تپه بالا آهسته بطرف آنها پیر می‌آمد.

رنگ از روی محسوس بیچاره بیدرگ با وضعت زیاد از طرف چپین گفت بیکر ابدی نیست. مانتو از ترک پسر آگاه شده و اینکه پیترو مریک که بن غیر شده خود را برای مریک آماده سازد. قیام خود را بخوبی مراد از این غیر اطلاع نمینماید و در حقیقت صورت پیترو که همیشه فدا و ششای بود این بار تریه و شتاک نظر میسید.

فائیل رو برپاس کرده گفت: کمالا سرتو باشه. پیترو املا هراس را نکند و کرد لفظ جناب فائیل پیش رفته با معانی اغویین گفت:

چه بیچاره اید بگویند - نماز برافه روسی که اینک از قلب جان بدورته است آریکتو، فائیل بسختی سخن او را قطع کرد گفت: آه چه میگویی؟

بی‌مواهم بگویم که او دیکس زده نیست فائیل فریاد از آنا میدید و انضو فراوان بر آغیزه سردار ابدی مان در دست پنهان کرد. هراس از پیترو پرسید: آبا در حال جنگ کشته شده است - خیر او در فریاد که زودتک اغیار مرن میباید انانداست.

من و آریکتو با هم در کنار رودخانه راه فریتمار جالو و من بیست سر او بودم تا کمان او را دیدم که دست شده بطرف پایین سرازیر شد اگر بن صد سال هم هر کس هم هرگز فرار نداد او فروش خواهم کرد.

فائیل از جا برخاست و بجانب غار حرکت کرد پیترو در حالیکه از آن گزیده چشم او را دران مشاهده کرد، آه چپاره چه برادر مهربان است - آه مانتو بزودی مرا بخت خواهد کرد.

لرستان در چه حال است

در شماره ۱۱۰ روزنامه طوفان مقاله تحت عنوان پیام دلآوران لرستان نوشته در خصوص ایران پرستی و طغیان روحی لرما مطالبی درج شده بود که یکی از جوانان لر هشت پانزده تن آن با اشگی که از وضعیت این سرزمین متناذر، حس که از فرور و انقراض حس که از تجدید خاطرات ناخ و بدبختی سرچشمه گرفته بود. دو کتابچام را تر کردم و این را نسبت آفریده خواستم که کسی از وضعیت این سرزمین آگاه باشد بخت سبب کند.

لرما پس از کرمانج (کردمانج) دودین پلایه بزرگ کرده میباشند که مانه پرادن هم بر زادخود طوایر دیگر لرستان قدمت سکونتشان در ایران زمین آنها را مردمان بومی مبین خود میباشند نمود نیکبخت زیاد باشناده رفته باشم.

لرما یاد کارهای مثل رفیقه و چنگاور کرده کسی کاپتیا میباشند که شاهنشاهان ماسداری مانه کانه شک پس از اسلامی ایران استقامت بقدرت و سطوت خود نموده خود را پادشاهان اوبه میباشند و اکوم کاکرم که ملوک بر سلطت به پهلوان بقوت مین که از مقنن در اولد مرصعود بودگوشانی پسر داده از خود بیخود آورده اند بزرگی نصیب نایب ایران نموده است لیکن لرما چاهم برونه که بشهادت آتوان و ترویکه در آغوش خاک خود از خود بیگانه کار گرفته اند و در غریب انکیر بدست ما رسیده و امروز زینت پیشین موزه ایران باستان شده اند از مینش تربیت مائل صیر خود بشمار می رفته اند اجداد لرما مردمانی بوده که زمانی در تنیا سلطنت ایران خیر فرمان روالی تارون میانه را بشود ختام برده رفتهای دروازی در آستانطاق وسیع حکم قریای کرده اند.

البته نواده های اینت اجداد لرستان شایسته گی آثار دارند که باستانی خاک پاک مبین عزیز خود را نموده هر دست پایبندی خرد نصیبتی به آن داد مقصد داشته باشد فرمایند.

اما انوس از روی بی اعتمادی زمامداران دولتی خود امروز از قافله تمدن غریب خیلی عقب افتاده زلنگ جهالت می شود جوش افتاد و اطینان او را که بصکومت مرکزی داشته بود آموخته ساخته است بنابر این سکلشتر که الفاظ مستخ و پر حشاک است صبیحت دیگر جوانان این قوم را بکشتن دهه ...

امروز طوایر بیچوجه از هنران و آبدای بلاه فرهنگ میباشند که خواص ایرانی غریب پیشاز مایه ذره صییش نگشته و در کلیه های معنوی قادر های میانه و پوسیده که با یاد و گلهای فرش شفته و هنران با مران گلگون کورن مضموم مالولایا و تسراختم دست بگیرینان و در طلث و نادالی بویانند .

خلاصه از کتاب مهر مین

از مصله (۷) حب وطن نهایت کرامی و درک آن بابت مهر و هخیم است اما نیکه یوشن خود بغضوس تلرد و هدایت نیت خردت می گنند و زادبوم خود را از روی محبت خود دانند و در خدمت خود توفیق نصبت و آفرین ندانند ؛ فرهنگان خلقت اند ؛ دوسته ۱۸۵۴ که اهالی مندومستان شورش نموده بودند یکی از اوبه های دعلی با دوست سوار خود بطرف لراری از زمین پرستان جاخفت میگرد و در طرف مراد آباد با یابوب و ایبور که از طرف اهل کلبیبا حاکم بود داد مردانگی داد ؛ در این موقع تنون انگلیسی با کله و تاناب و ایبور رسیده دلآوران دعلی را از چهار طرف محصور نموده ؛ ترتیب کار معلوم شد که غلبه ایمن اینت سلطونری لیست و ناپولینون شده ؛ یکی از افراد شاهزاده در لخری بطاهر رشید که چانه پانزدهن اچار مهبات خوشان را آتش بزشته همسورین خلاص شده و هم مندرایه از ازدوی دندن تلف خواهه کردید ولی این تفهاری منترام به کف نایب جان بود .

سرباز ناپرده شته خود و امریش شاهزاده مانچو حاکم سربازان خدی با اینکه شاهزاده مین با سربازان نادرانی سرباز مرز دوست مین بود و با تارون کالی را رسیده و در حالیکه یکده کالی از اردوی دشمن در اسراف عمل مهبات بود . ایچار و آتش و پانده جان نال نالی خود شاهزاده و سه نفر از هم مینان را از مرگ ک حال خود خردود همنده نغمه نغمه از سید انگلیسیان و تلف ساخت .

کسی بیداشت این سرباز گنم اهل کجا و امش چه بود . فقط مهر مین و ملاه . لب و غنک بود که اورا بله تاروی دادند .

زی مره سر شهنزاد بود که میاموز

چند شعر به لهجه کردی کلهر

دل خاموش بود که واوت مان من که کم آتار
و همی سوزناک مهربم ده آرت مان من که کم آتار
هل حق گوئی زوان خاموشی ز بیدونه تر آتار
و گیاه دوسنان زورمان سه سوات مان من که کم آتار
اگر که به رویه چه هلت برامه دونه باید و در
هل سدره من جله گوروان نه تارت مان من که کم آتار
هل بداه جهاده روز من نالی ای بوری آلی کورد
به زان روزی به رنگی انقلازت من نه کم آتار
هل گدو که لایبور کی گیانی فدای تو مده کی کویدی
لناره هشت گوردان جهوات مان من که کم آتار

مژ و بوم را فراموش فرمایند و اصلاحات اساسی را در انجام هر چه زودتر شروع نمایند .
دیناصورت است که سفنایستونان و با پادشاهان روح ایران برستی ایشان که از لیکن خود یارت برده اند با حس انصاف و صداقت توانمده اند این

برای اطلاع ستاد ارتش بفرار اطلاعاتی که میرسد همه اهل دوساری سرحدین کارمند ستاد ارتش که فلا دوسرات از یابوش سازی و تهیه درجه پانزدهن گزارش های مترخان بشود سوه استفاده مشابه نادرش می منصفه این ست کفر میوزون نامه و از برقی مردمی داشته آنها را تهیه مینمایند . همچو ترتیب سراسر سر لستکجهایانی و سراسر سبب های بولنی با بیانات این شخص تهیه میگرد .
رسمی که وقت در کاشی های این شومس فقط تا حدی اظهارات را تانیان خواهد نمود

کاسومه و چانه و آواز نایب هیچ جارولی لیست این خبریان را با علما و بندگان داشته باشد همه در این اخبار و آبت و مغز خورا می برسد ؛ اهالی جزیره کریت مهر مین و اطلاق مهر مادر میباشند
زنگبایر جبهه و زنگبایر افتاد دارند خوانده عالی و همسرایان ایشان را از دست بندگان خویشانه باقی دنیا را در شکتان کورد ؛ اهالی مین که مولدین در گرمی و شکتی سرور است میگویند علاوه بر این همه ستاره و باد و آفتاب را نقشه خوانده مین علی کرده ؛ اهالی جزیره امسا و ک سراسر غا کسان و سلاح و خلی بآب و هواست ؛ وطن خود را درویش زمین آگس بپوشی شته سراسر زمین میگویند آگس بپوشی شته اینستاد و اگر کسی اسلحتی از کورد مستقیمه بدو بخ و اسلحتی فرانسه می بیاشند یکی از درویشین فرانسه می بونند ؛ کله نایب که با پس منتهوی رادیم زار زار کرده که مده ؛ گنم برای چه گریانی ؛ گلت دوت موزا در ؛ پنجا دیم و بیاد و شتم مندومان افتاد

از میلان غرب

بی نظرد و خط و خرامه ایان برود آورده و در راه تجدید هفت بیوت مقصد لیکن خود از میچکه به پایزی و لنداکری مشافه اعراضت کرد و در جامل هیچ کاری ساخته لیست ما باز در اینصورت صحت خواهم کرد

بنام آقای محمد مدروح آیت‌الله کوهستانی

گرد و کوهستان سنه اردلان

۵۴-

ریشه و افلا تافته و بین لاس و کلا
 جلوه گر شده است.
 بدو باجو باد صحرا بگذشت
 نیکی و بگریزشت و زیبا بگذشت
 پنداشت سنگر که من بر ما کرد
 چون گرفت او با نه ویرما بگذشت
 چون ایست بر سر بیاض میرزا
 آنانی بر سرده ز سده نهایی خود بود
 و میرزا هدایت الله بنیان شده و جواب
 می نویسد: (آنچه مزوم فرموده بودیم
 حق محض و معجز حق است - اگر به
 نتقاضای ایسان محل ایسان نفسی در
 سنگترگاری این نام و نشان روی
 داده باشد باید بپذیرد حق هنوز فرامیاید
 پندیده همان به که ز تنبیر خویش
 فخر به در که شده آورد
 انشاء الله فریاد فرغ مفاصل و خلائی
 خواهد شد - بحرمانه هر کس میکنند
 سیم تریاک میل بر ما میورود سایه دوش
 پس از شتر برمانی که امیدواریم
 شتر باب رضا قلیخان اولیادام و لایت
 شتر باب حضور گردد. (چندی نبود
 حاج میرزا آقاسی بومده خود و لاکرود
 امان الله خان (لاشاه خان) معزول و
 رضا قلیخان پس از پنج ماه معزول گردید
 ۱۶ شوال ۱۲۶۶ معزول گردید و در خلافت
 حکومت معزول و دلشاد میبود
 و در مدت اولیاده خود در حرمان
 او بگردستان میرسد و دستور میدهد که
 هواگران لاشاه خان را دستگیر
 پس امایند - جنس از قبیل میرزا جعفر
 وزیر و امیرلایک داروفه و میرزا محمد
 رضای منده پس میرزا عبد الکرم و
 فرهم جنس میبودند و سایر هواگران امان
 از قبیل حسین قلیخان اردلان و نجفانی

اودا را من تلق بگله برای وکیل
 خود قسم میخورند که با نام نوا میرزا
 برای امتحان محرومانی خاصین
 و تاخر نظر محو خود ماطلمت ازو لیل
 خوایم نمود - بشرط اینکه طاری خانم
 از شهر خارج شود و با غریبه (من آباء)
 برساند - و امان فیک و لیل در سنه
 ۱۲۶۲ (۱۱ جمادی الثانی) محبت
 اورامان را با خود حرکت داده. حسن
 آباد می آید. و از آنجا طوی خانم
 اخبار میبرد که حسن آباد نیاید -
 امان الله خان از قاضی مستعزف شده سیاحت
 علیحده یکه و میرزا جواد پس میرزا
 هدایت الله وزیر طوی خانم را مع از
 حرکت میبود و با غریبه کران بیگ
 امان الله و اورامان بیرون نشاند
 متوجه حسن آباد میبود و اورامان پس
 از اینکه میبینه که طوی خانم موافق
 شده پیدا میست - امان الله خانم عازم
 چندتکه مسامت اورامان یکه و کبیل کنار
 حرکت میبودند و میرزا جواد پس
 با هم عساره و کبیل بوده اند سپاه والی
 طوی میبودند تا جابر امان الله یکه و کبیل
 که باقی مرابطانند نه جای اقامت
 با چنده روز از ایام خود فرود آمدن آباد
 خیر میبود و چنده در کبیل میگردید
 از هزاران و کبیل شاکرم سلطان شور -
 سووی در حله اول کشته میبود اورامان
 حاج محمد پندار را بر خود دستور داده
 کرد - کور سرازیر و سپاه والی ملطینی
 از کبیل و کبیل میبانه توشا بیاید
 امساله یکه و پسرش و شصتی یکه برادر
 زاده اش و چنده نفر دیگر از سادات و
 مشایخ و مولود را با حشنتی و طویسده
 یکه بی شم و کبیل گرد و کبیل میگردند
 قسم تمام میکنند که جرات و سبب هیچ
 گونه حرکت سووی نسبت با او نخواهد
 داشت و کبیل با طینتین قسم از قلمه خاص
 و دستور والی آباء و الوی اوزار میبینه
 در قراقرق و غیره می نشاند پس از
 می رفتن روانه شهر می شود و در شهر
 وزیر میرزا تاج پس میرزا جلال الله
 والی را و دادار میکنند باینکه امان الله
 یکه را با احترام وارد شهر نکنند والی
 تمدا در ورود تأخیر نموده دو مسافت از
 شب گذشته وارد دادار لایک می شود و
 امان الله یکه و کبیل را در یکی از بیوت
 خلوت حبس میکنند پس از ۱۸ روز به
 مدینه منامین امان الله یکه و کبیل را
 منتقل برساند -

ریشه و افلا تافته و بین لاس و کلا
 جلوه گر شده است.
 بدو باجو باد صحرا بگذشت
 نیکی و بگریزشت و زیبا بگذشت
 پنداشت سنگر که من بر ما کرد
 چون گرفت او با نه ویرما بگذشت
 چون ایست بر سر بیاض میرزا
 آنانی بر سرده ز سده نهایی خود بود
 و میرزا هدایت الله بنیان شده و جواب
 می نویسد: (آنچه مزوم فرموده بودیم
 حق محض و معجز حق است - اگر به
 نتقاضای ایسان محل ایسان نفسی در
 سنگترگاری این نام و نشان روی
 داده باشد باید بپذیرد حق هنوز فرامیاید
 پندیده همان به که ز تنبیر خویش
 فخر به در که شده آورد
 انشاء الله فریاد فرغ مفاصل و خلائی
 خواهد شد - بحرمانه هر کس میکنند
 سیم تریاک میل بر ما میورود سایه دوش
 پس از شتر برمانی که امیدواریم
 شتر باب رضا قلیخان اولیادام و لایت
 شتر باب حضور گردد. (چندی نبود
 حاج میرزا آقاسی بومده خود و لاکرود
 امان الله خان (لاشاه خان) معزول و
 رضا قلیخان پس از پنج ماه معزول گردید
 ۱۶ شوال ۱۲۶۶ معزول گردید و در خلافت
 حکومت معزول و دلشاد میبود
 و در مدت اولیاده خود در حرمان
 او بگردستان میرسد و دستور میدهد که
 هواگران لاشاه خان را دستگیر
 پس امایند - جنس از قبیل میرزا جعفر
 وزیر و امیرلایک داروفه و میرزا محمد
 رضای منده پس میرزا عبد الکرم و
 فرهم جنس میبودند و سایر هواگران امان
 از قبیل حسین قلیخان اردلان و نجفانی

رخا قلیخان زهسپار تهران میبودند و در
 مسجد شاه سنی و متصن میگردند حاج
 میرزا آقاسی چون شورش و هجیان اول
 گردستان را مشاهده مینماید - باطن را
 کار خود پیشان شد مولی برای اینکه عظمت
 دولت خود را نظارت کند شورش نوچ را
 را با پهلوار مراده توب درخت قرمانی
 علیخان فراگز و برای استمکان اول
 خسروخان روانه گردستان مینماید و
 گردستان را هم در تهران هر چند زجر
 و سیاحت میکنند نه شاید دست از رضا
 قلیخان کشیده و مرابطت نایب بجای
 لایر برسد حق علی میاید و کبیل را
 و جنس وسله چنان تحسین بوده و
 حضور شهربانی پنجهوار چوب میرسد
 با زبانی مرابط گردستان حاضر می
 شود و بر امر از خود داده و رضای
 خان می افزاینه تا اینکه درخت قرمانی
 ۱۲۶۶ شهربانی چوب رخت از سوی دنیا
 بیته بضای چاپوب رخت مینماید و
 این هنگام گردستان را از قلمه مساملت
 غیر حلاله حاج میرزا آقاسی و حرمت
 خسروخان خواجه بچیان آمد رضا قلی
 خان والی در قریه تهریز که محل توپخانه
 دولتی بود میبوسا میزیست است فرست
 دارمشتن شمرده با وجح کروس هندست
 همدانستان میبود - و بدین اینه تهریز
 خود رضا قلیخان بدخته قریه تهریز
 ریخته رضا قلیخان را از توپخانه بیرون
 میکنند و بسوب گردستان روان میگردند
 بعضی مدین این خبر بر سر خوانخواجه
 فوراً با خود مراده توب و یک نوچ را میبرد
 از راه کروس پیشان و لایک فرامیگرد
 از این طرف هم رضا قلیخان با وجح کروس
 که در بابک او آمده اند وارد سنه می
 شود دیده امانی پیداوار وانی شاد میبود
 والی با صاحبین تهریز کروس می
 اعزاز معلوف و اطلاق بنوچ میدارد
 و آهارا با ایبات رضامندی اجازه معرفت
 میدهد -

رخا قلیخان زهسپار تهران میبودند و در
 مسجد شاه سنی و متصن میگردند حاج
 میرزا آقاسی چون شورش و هجیان اول
 گردستان را مشاهده مینماید - باطن را
 کار خود پیشان شد مولی برای اینکه عظمت
 دولت خود را نظارت کند شورش نوچ را
 را با پهلوار مراده توب درخت قرمانی
 علیخان فراگز و برای استمکان اول
 خسروخان روانه گردستان مینماید و
 گردستان را هم در تهران هر چند زجر
 و سیاحت میکنند نه شاید دست از رضا
 قلیخان کشیده و مرابطت نایب بجای
 لایر برسد حق علی میاید و کبیل را
 و جنس وسله چنان تحسین بوده و
 حضور شهربانی پنجهوار چوب میرسد
 با زبانی مرابط گردستان حاضر می
 شود و بر امر از خود داده و رضای
 خان می افزاینه تا اینکه درخت قرمانی
 ۱۲۶۶ شهربانی چوب رخت از سوی دنیا
 بیته بضای چاپوب رخت مینماید و
 این هنگام گردستان را از قلمه مساملت
 غیر حلاله حاج میرزا آقاسی و حرمت
 خسروخان خواجه بچیان آمد رضا قلی
 خان والی در قریه تهریز که محل توپخانه
 دولتی بود میبوسا میزیست است فرست
 دارمشتن شمرده با وجح کروس هندست
 همدانستان میبود - و بدین اینه تهریز
 خود رضا قلیخان بدخته قریه تهریز
 ریخته رضا قلیخان را از توپخانه بیرون
 میکنند و بسوب گردستان روان میگردند
 بعضی مدین این خبر بر سر خوانخواجه
 فوراً با خود مراده توب و یک نوچ را میبرد
 از راه کروس پیشان و لایک فرامیگرد
 از این طرف هم رضا قلیخان با وجح کروس
 که در بابک او آمده اند وارد سنه می
 شود دیده امانی پیداوار وانی شاد میبود
 والی با صاحبین تهریز کروس می
 اعزاز معلوف و اطلاق بنوچ میدارد
 و آهارا با ایبات رضامندی اجازه معرفت
 میدهد -

از طبع ملا مهر و فدا گری

گری دل که بر ما فرله نصبت و پند
 وانی نه که گیتی با به بیگانه به خنده
 روحم بهای نه و که مات ده پرستی
 بیزاره له محکومی و آزادی بنده
 هر کس که ده گل مانی خوی تپنی جایی
 ذنبت که حالی نرب و گسری بنده
 هم ماته مستورمه له آزادی و شادی
 آرزو له بوم و خنبت بو نه بنده
 ده خوارزه صحرا و در و دشت و بیابان
 وک شغولی بیابانی و حیوانی چسوده
 فسیکی و کو مقرب و وک مار و دو تپله
 میاسی به گزیده و کو حیوانی گزیده
 باعت امانه به کیس و سردار و زمین
 هر بو پشه ام ایسه که گنبد و گند
 در متفا من بسدنی نه کی که ن تابی
 یکه قسوتی بی لاره ام پند و گنبد
 توفیق له خداوند له سراده قیامه
 یک حله برن فرسته کو شمرتی در فده
 نه و مد و ملامتانه به گززان بشکنین
 لت ات مکن او قیده به شهربانی برنده
 نه و لندی آزادی حرمانی نسه
 عد مرتبه هیربت تزه لم شکر و نده
 این اخبار را آقای محمد . آ . از سفر - ارسال شده اند

فرهنگ برلیان
 کتیبه آراه و انگار برگران
 ۱۰۰ صفحه ۱۵۰۰ موضوع
 مهم زندگی شما را بصیانت و مشاورت با بزرگان شرف و غرب متشرف میدارد، تهرسات - ۲۱
 شاپوروشیا

دراقرس شیرین
 روزنامه کوهستان در نشر شیرین بکشر نماینده میرواچه گشایی که علاقه مند با دارودروز نامه بکچه فرمایند

بنام آقای عباس آزاده بود و نماینده امین ولایتی کردستان

زمستان ۱۳۲۴ و قراه شرقی کردستان

چند کلمه از وضع مردمان آنجا و طریق مقاله با این گزارشها

بشده بن حسین سال ۱۳۲۴ بسلامت برف و باران حاصل می آید اما از سال سی قبل بیسابقه بوده است. کثرت نزول باران بقدری شدید و هولناک بود که در آذر و فروردین در کربلا و طرمان های باران خرابن لوز انزاده به کله های دفغانی و با چمن های معلی روی زمین وارد گردید.

چاه دارد منصری از وضع داخلی یعنی با حدا کثر از نه خاکبانه و برف که پناه ده نمانداری شده است تکلیف می شود که یا وضعه های کتب و نامه ها و طرمان های بیهوده باستانی ادوار اولی می باشد که با ظهور و اختراع مسکوکات مایه ای امروزی با چاپ یکمکد مولدین رزق میاریان ها پیش

این اماکن از صدی چهل تا صدی هفتاد یکلغی غراب و منبوه گردیده لیکن در مقابل این صواب آب بقدری فراوان است که هرگز و ششما ظهور کرده، زرافه ها با پر از آب و از دست جامه های توتان آب فراوان می کند.

آب فراوان در مقابل غلظت خاک سالی و فطرت حته و افریقا مهم بزرگی است از بارانهای آن نواصی از بارکردن در استان ثابت فرموده است.

حیران جیران این سواخ و راه بابای با کربلای بی پیشتری برابر داشته مالکین نیز بر خلاف گذشته دانه ها و ماشها را باید یکسر بزنند و با معاهدت و فیول مشتقات اطراف مطلق و صرف مالی و مراتب در طرز کار از جانب مالکین متناظر لغرض اشلی قدری نیاید. شش با به مالک بر ماسرقتس لایته رطایا و دست کشان و با سلولر کار خیالی شده و ابتدائی آشنا نوده و با سربستی کامل اصولی که بسیار مورد توجه و حاحه امروز است متناظر نقش داشته باشند اما مراتب از آن نودون رها نگویا کردن سوکیا و قائم بودن بونوکیا و احداث دیوار بفظ مستقیم - ایجاد دوزب بلند در راه - روزنه کافی برای افت نور - دور کردن درب طویله از اطفاوی مسکوکات برای جلوگیری از تشن سفلونی حیوانی شش و سبب اطفاوی مسکوکاتی قدری بر تنگ تر از کف حیاط باقی قرار داده خود تا طریق مزه و نودوه نودون بر پی بوها گویا و اطفاوان شده باراشی گوناگون - دیوارشان تنبایه

بر سال زمستان گذشته بلاجیبی بود که برای غشاه اندین بصر پیش از آن دهنه با اعجاز فردین به برج داد (اگر به از آن تهیه بدستود) مزه ای این کراه برتری آهوانی نظیر مویز به بدنه های قفسور و لافتن سبب و رنگی با همه اجزایان بشری است

بر سال زمستان گذشته بلاجیبی بود که برای غشاه اندین بصر پیش از آن دهنه با اعجاز فردین به برج داد (اگر به از آن تهیه بدستود) مزه ای این کراه برتری آهوانی نظیر مویز به بدنه های قفسور و لافتن سبب و رنگی با همه اجزایان بشری است

بر سال زمستان گذشته بلاجیبی بود که برای غشاه اندین بصر پیش از آن دهنه با اعجاز فردین به برج داد (اگر به از آن تهیه بدستود) مزه ای این کراه برتری آهوانی نظیر مویز به بدنه های قفسور و لافتن سبب و رنگی با همه اجزایان بشری است

از اینها مهمتر عدم بیهوشی است که در دوه بسیار پیشی و انچه بایه گنت از صلم هر باین تر است . مردمان و اطفاوان نصف سراسر بی برمه ، کوز آبه گون- پیازگی مشش اینجاست که در پیشی از دهنات مرض چوچام غایب خواهده اما تمام قریه را باین بلائی شاناسوز و موبک دعوت و سوق میدهند .

اطفال و جوانان بسیار تبخیر و تک میدهند و مقرب چلام اوران جوانیشان را به پیشی عاقدگی تریبو ناز میسازد آن بیضت ها و آن حبیبتهای بیروا که از تمام خوش پیشی ها مسرور و دوستان از همه چیز کوتاه است برای مبارزه با همه و همه این برتنباشا جز غذا و دوا چاره و درائی ندارد تا مشیت الهی و استجابت دعا چه تیری بار آرزو آیم بخواشد.

آب برای خانه با این بیضی هفت ها که جاره ای است همیشه است ؛ آبه مشهور چاره هنلی برود اگر چه عکس کار در پیشی و رفته شراج و وجود غازی پیدا کند آبی پیشی از مالکین خوش گذر از آسان خیال خود بچند این طیفه فراموش شده و محروم از کالیه

برای حیاتی حاضر خواهند بود برای آلمان موز و دنیای و انچه شونه و هزار بشی پیشی و برتنباشی آنرا در برترین و مراهی که باشد غشاه تمام مردمان بترسودت جوان بیضت حیران توتنه با خواهند نود ؛

تشکر از عطای لپاس بنو آموزان

در فروردین ماه ۱۳۲۵ که تیسار سرلشکر جهادیان به کاپارنان تشرف فرموده شد بنو آموزان و پرسوخ وضع نو آموزان ؛ از اهل بی بیضت به آتای درجه یان بنشتر کاپارنان دستور دادم بمواصل تشکر لپاس برای آتای آموزان توبه نماید با تشکر با تشکر اسماعیلی حسین در تیسار تشکر و اقدام غیر شواهان آتای حسین و کیش در تاریخ ۱۳۲۷ بوسله آتای اربعی ای بیضت فرستید ؛ و بدست لپاس ای بیضت و چهار دست برای دختران تهیه و آماده و دو ماهان و دو محروم و سوا دوا بی دواتی به نو آموزان بیضت بپوشانیدند

این اقدام غیر شواهان از مرحبت موجب مسرت و بیساکسگری و انچه بود پس وسیله از توجهات تیسار سر لشکر جهادیان و آتای درجه یک فرامرز و آتای حسین و کیش بیساکسگری سوده و از عساکری و دیدگان آتای اربعی ای بیضت و تشکر بنیاید . تشکر دواتی و تشکر بنیاید . مهربانان دواتی دینی کاپارنان محبت همه مهربور

نویسنده جناب امین زکی بیله

مشاهیر کرد و کردستان

سلطان صلاح الدین

اگر درست در زندگی این فرمان اسلام دقت کرده و مراحل زندگی او را با تامل از همه نظریت بنگریم خواهیم دید که از تکیلات زاده گانی و فرور و تکبیر که پیشتر سلاطین با آنه آن می شود بسیار دور بوده و بعد بدان طلاق ای نداشته است .

هر فردی از افراد کوچک و وسیع او حق دانسته از بزرگ و کوچک می و نظریه یون کسب اجازه بشود و سلطان یاریافته و حکایت خود را بر جرح و مانع و طایر و با آلمان حبس میگرد و به شکایتان و فرود و رسیدگی نوده که جنبه سلطان و رعیتی در میان نبوده بلکه رفتارش بزرگ و بسیار - بیانه

سلطان صلاح الدین پادشاه عادل و متواضع بود و این تواضع در رفتار و کردار و حتی در پوشاک و محل سکونت او کلاما هویدا بود و دست میکشید و نالی طام نفس بر روی زبانی برای او ساخته بود و کتیبه سلطان از آن قصر بدست کرد بودلی گمت

لیتونسام در این پنج با شکوه برای اید زنگالی سالیب این فتح هر که بر فردی که اول در چنه ششمی اوست بر ازنده است فرس ما خودمکتوبات اطاعت اوله دادند و کت در نظر مال و مکتد در نظر سلطان صلاح الدین ارزش نداشت و بار ها گفته بود :

« مال و خاک در پیشی غمت نمی است و هرگز بین آتای فرقی نلال نمی خوم »

هر فردی که به وی روی می آورد مایوس و نا امید مر اجبت میکرد همیشه پیش از تشکر اظهار داشتند خواه راضی بر میکشیدند تمام زیر دستن میباشند که میباید سلطان حیاوات است که صرف نیروها و افراد خود میکند .

و بهترین دلیل هم این است که هنگام وفات همه مالور مستکن و نایب گمت بیجا گذاشت چنانکه امیر محمد علی

« سلاطین و کرامت سلطان صلاح الدین بود که پس از مرگش ۶۷ درهم جیاد گذاشته بودند مبلغ خیلی کمتر از آن است که به نظر فقیر از خود جامی کادرد »

بزرگترین دلیل بر عظمت و قدرت و جوارحیت او این است که مورخین و ملای غرب و پادشاهان آلمان تمام صفات حسنه و برجسته او را تقدیر می کردند . در حینی که امپراتور آلمان چینی در سوره یونف دادنامه اولین تقاضایش زیارت آرزوهای این سلطان بود است و چون به آرزوهای این فرمان رسیده بود که دست کل بر مفرقه اش گذاشته و در نظر کوتاه خود چینی گفت : « من ای اندازه منتظر و مسرور هستم که قدم به سر زمینت گذاردم ام که زمانی فرمان بزرگ سلطان صلاح الدین بر روی آید بزمیت فرمانی که

از بزرگترین برجسته ترین رجال عصر خود بشمار آمده رشادت نهرت شعافت و جوارحی او دوزی شهره آفاق بوده است .

سلطان صلاح الدین پادشاه عادل و متواضع بود و این تواضع در رفتار و کردار و حتی در پوشاک و محل سکونت او کلاما هویدا بود و دست میکشید و نالی طام نفس بر روی زبانی برای او ساخته بود و کتیبه سلطان از آن قصر بدست کرد بودلی گمت

لیتونسام در این پنج با شکوه برای اید زنگالی سالیب این فتح هر که بر فردی که اول در چنه ششمی اوست بر ازنده است فرس ما خودمکتوبات اطاعت اوله دادند و کت در نظر مال و مکتد در نظر سلطان صلاح الدین ارزش نداشت و بار ها گفته بود :

« مال و خاک در پیشی غمت نمی است و هرگز بین آتای فرقی نلال نمی خوم »

هر فردی که به وی روی می آورد مایوس و نا امید مر اجبت میکرد همیشه پیش از تشکر اظهار داشتند خواه راضی بر میکشیدند تمام زیر دستن میباشند که میباید سلطان حیاوات است که صرف نیروها و افراد خود میکند .

و بهترین دلیل هم این است که هنگام وفات همه مالور مستکن و نایب گمت بیجا گذاشت چنانکه امیر محمد علی

« سلاطین و کرامت سلطان صلاح الدین بود که پس از مرگش ۶۷ درهم جیاد گذاشته بودند مبلغ خیلی کمتر از آن است که به نظر فقیر از خود جامی کادرد »

بزرگترین دلیل بر عظمت و قدرت و جوارحیت او این است که مورخین و ملای غرب و پادشاهان آلمان تمام صفات حسنه و برجسته او را تقدیر می کردند . در حینی که امپراتور آلمان چینی در سوره یونف دادنامه اولین تقاضایش زیارت آرزوهای این سلطان بود است و چون به آرزوهای این فرمان رسیده بود که دست کل بر مفرقه اش گذاشته و در نظر کوتاه خود چینی گفت :

« من ای اندازه منتظر و مسرور هستم که قدم به سر زمینت گذاردم ام که زمانی فرمان بزرگ سلطان صلاح الدین بر روی آید بزمیت فرمانی که

« من ای اندازه منتظر و مسرور هستم که قدم به سر زمینت گذاردم ام که زمانی فرمان بزرگ سلطان صلاح الدین بر روی آید بزمیت فرمانی که

تالیف لوسی پل مارگرت و دکتر. ک. ک. ک.

زبانی در شعر و ادبیات کردی

ترجمه جیسی

۹-

۱- وزن یا نایرد ار دو خانه میاندا
شرح لهرمانی و کلامی بزرگشوم
یا نایرد خود و امیربازیر
سرود سوار دو موقع عزت سوار
به میدان چنگ خوراهه می شود
۲- تصنیف و آوازهای دهنی
موضوعهای آن مربوط به عشق و مین
سنی - خیانت - زنیان جانی - زنیان
طبیعت می باشد
۳- تصنیف و آواز های دهنی
همراه با نواختن آلات موسیقی مربوط
به خود دو موقع بارش یا کتله می باشد
۴- تصنیف و اشعارهای این
نوع تنبیهی مانتر زبانی نایردی و آواز
روح پر آرزو برای تنبیل می آید
۵- تصنیف و آواز - با طبیعت -
بیار - گلها - پاییز - الوان و غیره -
۶- تصنیف و آوازهای کوهستان و
زبان جوان در جلو دستکهای پانده گی
و منی - فال - گلیم - خال - میراند
۷- تصنیفهای فرو و بیسنا کتور
که موقع سرکات خود به یا آهنگ
موسیقی آن تطبیق می نماید
۸- تصنیف های فرا و نوحه خوانی
که از اجلا از طرف زبان سروده می شود
۹- لایله که آهپاز بطور کلی
از طرف زبان سروده می شود

شاهر لیلوف پس از یک نظرس
مستعمل بخت، صافه اکار خودارو
این چند سر برای ما بیان میکند
ما میبیریم و اجساد ما میبل بهاک
خوراهه شد
ولی شیرووز ماته همیشه تاروب
خود را ادامه میدهد
مناره و دکان شهرها بطور معمول
یاز می بود
این یکی میخورد آن دیگری میارونه
یکی دومرغ پتر به پاره میکند
آ و دیگری برای عروس لباسو
تیه میباید
روز کار برای گردن زد آن چنین
آسیابی کت انداخته
و بدون یک ذره مکت گردش خود
را ادامه میدهد
یکدمت میروود دسته دیگر جاشین
آن شیود
بالاخره ملو شده که این کشکش
کی خانه میباید
در هم این موضوع لقصان هرچه
کم خوش بکنند
با یک چوپان برابر است
الطالون پیر اگر چه پاره کند
از یک گاوین بیشتر کی نمید
حالم همه حسرتی برین بیان ابرار
مسردند
و کسی توانست فلسفه اینت راز
مجهول را کشف کند
تا بر این سنی کند زنده گانی را
بخوش بگذرانید

کوهستان خلی

کرهستان زیا

دیش چه شد کت شد بشی بود
فرراز کوهستان، خلی
با بلان، طراوت از مار، زلات آب چوپاز
آهنگ یک نواخت با صدای - منظره
شکره های درختان نشاط افزا بوشت
پیران و برای این نشان دافودر برابر
دیگدگام نهاد
کلی از آب پرکردم نزدیک لب
بردم نوشیدم و طعم مغزپوشش چشمه
گویی از حیال بود
از دامن پر مغزوف کوهستان کلی
چیدم آرزو یویدم شیش بشام صمود
کرد پنداشتم قدم دو بیاع ازم سرود
گاشتم
الوار ترقه نام غلام نابزیر جماعت
طیبت آفروده وار و روشن نبود بود
از کوهستان دور قدم مغزوفی بودقمی
بیشتر نهادم قدم بر خاخری بود
پانزده گامی آبی کوهستان تنگ
افسوس که این افران هرزه بیگانه اند
که بیشتر از حسانتون منادله خوش و
این را بدان که هیچ قویای استواله
را از دامان فیض بخش خود میجوور کند

نامه های وارده

از سنج

نامه های اعمای چند نفر از سنج
رسیده بدین مضمون که رشه حیدری نام
و * ای دیگر بدون داشتن گرواهی
نامه و اجازه نهادن از سانی تابوئی کت
است (متنصص نهادن) رشه کت
و مردم را اقبال به امرجه میباشند
و در نتیجه این عمل تا کتوزن به فرود
تیه کیشین دندان ناشی شده اند
کوهستان - توجه احسن ولایتی
شهرداری کردستان بشکایت وارده جلب
میشود که دستور دیده به مدارکت تصصی
این خیل اخصاص رسیده می رسوده بسا
استانداره از همکاری بهمداری کردستان
(برای تشخیص صحت گرواهی نامه ها)
در صورتیکه نامه گرواهنامه رسمی
هستند فرقی از ادامه این عمل چلوگر
و مرتکبان از دستور تطبیقدهند

از سقر

آقای هلی بهاری از سقر ضمن
توجه شکایت میباشند که مدت ۹ ماه
در شهر یابی سقر بهست بازمی انجام
و طبع کرده است و سقر باطل و اعوجاج
داده اند که معالی برای استفاده میجوور
نمیباشد
آقای هلی بهاری از اداره کل
شهریاری تلفات وارده که دستور هفتده
و خصیصن رسیده گی و تکلیف نامه تمامت
او را مینسانند

از سقر

مطابق بگرواهی شماره ۹۹۰ آن
جریبه کردستان در مورد بازداشت آن
جاب بدستور آقای سرهنگ بهمداری
بنام بدنگاری و تب برض میباشند
یکواهی استاد موجوده دردارانی
اروش مبلغ هنگفتی بابت سنوات قس
طلب دارم و بکنکلات بابت بیوجه
این منطقه هوشم هوشم بیسانکاران
طیبت میکارند چون بازداشت بهمدورمت
وقوع نداشته است استدعا دارم مغفلا
این مغضار را امر بدرج فرمائید

کلاهی

برای اطلاع ادارات ثبت و دادگستری کردستان

آقای علیمحمد ادولان
بازگتکته بنام مورخ ۱۸ اردیبه
راجم باینکه قرضه افلاون و امیرآباد
تابع بخش قروه امده ابادست با جزه
بخش سنر کبابی امده افشار میدارد
مطابق سوابق موجوده افلاون در دین
۱۶۶ و امیرآباد در دین ۱۷ افرست
فراه کلیایی بر بخش سنر کبابی است
و در خصوص سببه سنر کبابی
هم بیکر ماشهان چون مطابق قانون
تسببات کشور سنر یکی از بخش های
تابیه سنجده بوده است از این جهت
کشور باستاند ۴۳۳۳۳ - ۲۲۹۷۰۰ وزارت
شماره ۱۷۳۳۳ - ۲۲۹۷۰۰ شماره ۲ وزارت
کشور باستاند ۴۳۳۳۳ - ۲۲۹۷۰۰
تسببات کشور نموده ۱۳۱۶ - ۱۳۱۶
۱۳۱۶ - ۱۳۱۶ - ۱۳۱۶ - ۱۳۱۶
اندکه سنر کبابی از شهر سنر سنج
مجری و جزو شهرستان کرمانشاهان باشد
و بهسبب قسم نام حاصل عمل هفدهات
وزیر کشور

اخبار سقر

۱- تسببات سرلشکر ذنالی و سرطب
اصاری ۲۵۲۱۷ - ۲۵۲۱۷ سقر وارده شده
اند
۲ - آقای هرمزی به سنجده منزل
و آقای یمنی بیک و آقای ایاشان
برایست اداره مغرب شده اند
۳ - هلیات ستوان یکم شاه بختی
رئیس انتظامات یادگان در سقر
به موجب لفت مردم است
توجه فرمائید محترم لشکر کردستان
بسیات این امر جلب میشود

اخبار خرم آباد

۱ - چندی است تب و راجه در منطقه
لرستان شیوع یافته و دهه میزلیان در
شهر و اطراف و روبروی است باوجود
اینکه جناب آقای دکتر مرزبان سرای
مالک و چلو گیری مستورات اگید
و طرفی از ادامه این عمل چلوگر
و مرتکبان از دستور تطبیقدهند
۲ - بهیاس نام که سوابق شراوت
زبانی دارد و منی در زندان بوده و در
سال ۱۳۲۰ در لرستان مراجعت کرده
بود و متناهی منطقه لرستان را دچار
آب و آشوب گری فراروده بود
از جهت فراموش محترم لشکر دستگاری
و ذنالی گردید

برای اطلاع بانک هلی

فایده گزیده کوهستان از سفر
اطلاع میدهم که از بهوسن مابته فی
بانک و سقر آقای سید محمد امین
برجه بدست خزانه اداری آناهایت
چدید و بیون هیچ توفی میارایتم
را در اسرع وقت انجام داده است
اخیرا چند نفری از بازوگان من
در صدر بر آمده اند که یکی از بستگان
خود را در این پست بگزارن و بطوری
که در میالی خصوصی صحبت میدهند
این پست را بین خود برسانده گذارده
و تا شش هزار ریال بهمدست
و فغانه نمایندگی نامه کوهستان
در سقر با اظهار امپورانی حسن بیست
نموده است باینک ملی ایران و خدیبه
سنج منوجه این اقدامات باشند

حق گو

حق گو از سنجده میگوید
وجود اینکه چندی قی مقدار ۹ عمل
شکر سلیمووههل جوی از منزل رشیدی
نام و از زیر خاک و بسویله دان هان
کردستان و چند نفر از لاندین اداواره
بخش کفک رشه شمس مرتب مور
تعلیب فرارگرفت
چایکه جزای مرتکبین دزدی و
غیبت ثبیت مقام باشد چگونه میتوان
اینده است که گوروی دزدی و رشیدی از
میان برود
سکوت ادارات دولتی کردستان
در اینکه موارد دزدی و رواج و
خاستن را جری تر میکند
کوهستانی - منتظریم که آقای داد
ستان و اداره بخش موضوع و برای اطلاع
خوانندگان بسا بنویسد

گوهرستان

النگر افهای مهاباد

جناب آقای پشه وری نخست وزیر آذربایجان و آقای قوام السلطنه نخست وزیر ایران که جناب آقایان ابوالقاسم صدر فاضل و محمد حسن سین فاضل نمایندگان محترم کردستان و نمایندگان مازندران و سیستان و بلوچستان که در راه آزادی مازندران و سیستان و بلوچستان با نهایت احترام مسرور میگردیم چنانکه نمایندگان معظم اطلاع دارند سالیان متمادی است اوضاع ممالک این ملت و کشور و امنیت آنها و اقتصادی و سیاسی در زیر چنگ مال مورین دست خوار واقع گردیده بود در باره ملت نجیب کردستان اشای ظالم و ستم را برداشته و روش فاشیستی را در خاک کردستان ادامه میدادند تاچار ملت و شهادت و قربانان کرد با پیروی کردن و ضایع شدن حقوق چندین هزار ساله خود بپایزد و راه آزادی که سرشت نمایندگان قیام کرده با بهترین وضع کنونی دایه شدن توانست ملت خود را از زنجیر برداشته و این ملت را با نهایت و احترام و آسایش لازمه در سرنا حیات کردستان کشورها و فرامووش بشماره ترقی سوق داده بنایرین استعمار آزادی و وحدت ملی این ملت را تا بد استوار کرده و انتظار داریم با تمام مثنی قوای خود منظم و نظام داشته که احساسات پلک ما بیچیزه وار نکرد.

بلاورگامان مهاباد - محمد صالح زاده - محمد حکم زاده - حاجی حسین کریمیان - حسن ولزاده - حاجی کرمین - بهیروز دهقان - شیخ عبدالله فریانی - ابراهیم فریانی - حاجی حسین - حاجی صالح زاده - فریاد - سید محمدی - عبدالله حسینی - رشید شاهی - مصطفی محمودزاده - مصطفی باقری - سید صالح داوری - صدیق باقریان - حاجی رحمن شریکی - احمد ولی زاده - محمد داوری - سید حاجی چلمی - رحمت داوری - حاجی سید رحمن - حسن محمد رسول داوری زین کادام اولوری - سید صالحان و رسول سلما - حسین داوری - کرم وشرعی - حسن ولی زاده - فریاد فاضلی - سید باقریان - فروردین - حسن داوری - عبدالله سیدی - عبدالله کریمی - سید مجید حبیب .

× × ×

جناب آقای قوام السلطنه و آقای پشه وری نخست وزیر آذربایجان که جناب آقایان صدر فاضل و محمد حسن سین فاضل نمایندگان محترم کردستان و نمایندگان مازندران و سیستان و بلوچستان که در راه آزادی مازندران و سیستان و بلوچستان با نهایت احترام مسرور میگردیم چنانکه نمایندگان معظم اطلاع دارند سالیان متمادی است اوضاع ممالک این ملت و کشور و امنیت آنها و اقتصادی و سیاسی در زیر چنگ مال مورین دست خوار واقع گردیده بود در باره ملت نجیب کردستان اشای ظالم و ستم را برداشته و روش فاشیستی را در خاک کردستان ادامه میدادند تاچار ملت و شهادت و قربانان کرد با پیروی کردن و ضایع شدن حقوق چندین هزار ساله خود بپایزد و راه آزادی که سرشت نمایندگان قیام کرده با بهترین وضع کنونی دایه شدن توانست ملت خود را از زنجیر برداشته و این ملت را با نهایت و احترام و آسایش لازمه در سرنا حیات کردستان کشورها و فرامووش بشماره ترقی سوق داده بنایرین استعمار آزادی و وحدت ملی این ملت را تا بد استوار کرده و انتظار داریم با تمام مثنی قوای خود منظم و نظام داشته که احساسات پلک ما بیچیزه وار نکرد.

بلاورگامان مهاباد - محمد صالح زاده - محمد حکم زاده - حاجی حسین کریمیان - حسن ولزاده - حاجی کرمین - بهیروز دهقان - شیخ عبدالله فریانی - ابراهیم فریانی - حاجی حسین - حاجی صالح زاده - فریاد - سید محمدی - عبدالله حسینی - رشید شاهی - مصطفی محمودزاده - مصطفی باقری - سید صالح داوری - صدیق باقریان - حاجی رحمن شریکی - احمد ولی زاده - محمد داوری - سید حاجی چلمی - رحمت داوری - حاجی سید رحمن - حسن محمد رسول داوری زین کادام اولوری - سید صالحان و رسول سلما - حسین داوری - کرم وشرعی - حسن ولی زاده - فریاد فاضلی - سید باقریان - فروردین - حسن داوری - عبدالله سیدی - عبدالله کریمی - سید مجید حبیب .

آبروان یکسکه داخله - ۱۰۰ ریال
تک نروخی داخله ۴ ریال
جای اداره تهران خیابان فردوسی روبروی بانک ملی تلفن ۶۶۷

برای اطلاع سنا در تشریح

جناب آقای نصح وزیر رونوشت وزارت جنگ رونوشت سنا در تشریح نامه ملی کردستان در لیل چهار خنیه ۱۸ اردیبهشت یکسکه از شب گذشته دو نفر اسر در سون خواجه نو و نو آذر در اثر استعمال مشروب بافتان چپاو سرباز در اتالی که خود ایداناب در خانه بودام و در کرب سیاط باز بوده بترلم ریخته اول بمطام نام فرزند اسلام را کوبکاری و آنچه مایه بی خبری و هتاک نسبت بمطام نام بوده نامده اند در حدود پنجاه نفر از مرد و بچه از اهل محل حضور داشته اند نشانای فراز رسیدگی و تشبیه قانونی نامبروگان را نخواهیم .
ابو محمد چارش زاده

روزنامه شماره خرب

روزنامه شماره خرب روزنامه ایست سیاسی - اقتصادی - اجتماعی - علمی - ادبی - کاریگاری .
روزنامه شماره خرب بستگی بیچ حزب و دست ندارد و سرام آن خدمت میفرماید و سر و سامانده در راه تکمیل بالای مشروطیت و دودوکاست و استقلال کشور ایران است - هدف آن ترویج افکار دموکراسی و ترقی است .
روزنامه شماره خرب بستگی بیچاری است که مفاصل و نر مغز و مقله را با بطراری و بیع دواسترس ملائحتان میبردکند و بزودی منتشر می شود

از سندیچ

آظهار امتنان

جناب آقای دکتر اردلان محترم روزگاری که جناب سرمد سالکین آقای حاج محمد شهاب الدین شهنشاهی برای محفلت و جهت جانان آقایان دکتر هادی و دکتر واسی فکر کردار و زاهدانوه و مثال توفیق و مساعدات اطباء محترم شهربهای محترم که دوست ما محفلت جناب آقای شهنشاهی که دوست ما محفلت جناب شوهاهم و آرزو مندیم بیش از پیش بنیانت چنین اهل لیل قلوب سامه بطرف آقایان منوجه خود .
خاتمه بیخوسیه شرکتات نامتله و ناشده اند خیریه خدمت آقایان محترم ایفادیدار .
علی نصر الدینانی - شیخ الاسلامی - محمد حسینی - مصفا شمول - بهاء ظهیر اطمینی - ابوالقاسم سائوزی - سید بهاء فریاد - سید محمد مصطفی - بهران نصر الدینانی - محمد مصطفی - سید رحمان شریف نقی - حسن نرغزاده - مروخی - سامه زنی - مفاصل مروخی - ملاحی سید کرمی - عباس امین سلیمی - انتقاری که بزاد سافل پاک - شکرآه کمران - محمد صالح حسینی

خبرگزاری پارس تکذیب می کند

شایعه اینکه آقایان نخست وزیر اقبال دارخانه و اگر نایب که آذربایجان از دهری خود مختاری و سایر درخواست خود چشم زبونه بفره قهریه بر سر طبله آلیا منومل کردستان و نمایندگان معظم خیرگزاری پارس و سنا تکذیب و هتاک کردستان - انتشار شایعه نیکو بامت نهایت تعجب و نامف بود تکذیب خبر - گزارری پارس را در فکرین سید و دروش مفاصله نخست وزیر را تا بد می نماید سوم ایرانیان وطن پرست موقبتت آقای قوام السلطنه و از دست حمله آذربایجان سناست می نماید .

۰۰۰ نوهستان .
چنانچه نهایت احترام محرم سیدامیر سیاسی است و از دست فاشیستهای موزلش و دیکتاتوران خودفروار نجات داده و ملت خود را از زنجیران مفت و خواریه جگر این ومان بوده و ملت خودش را بشماره ترقی و سر منزل سعادت دهری میکند آقای استعمار احساسات این ملت خود شواهمان میگردش فرمایند که وضیعت امنیت اجتماعی و سیاسی این ملت سلطت پایدار بوده و طاری فرمایند که با احساسات ملت ایدوار داریه .
مهاباد ملت کینه خیز مگر می حزب دموکرات کردستان - معطل خلیا شریعی علی و سنا . - مصطفی سلیمان - مناب کرمی - کرم احمدی - سید محمد زاده - حاجی مصطفی داوری .
× × ×
وزیر ایران آقای پشه وری نخست وزیر آذربایجان که جناب آقای ابوالقاسم صدر فاضل و محمد حسن سین فاضل نمایندگان محترم کردستان و نمایندگان مازندران و سیستان و بلوچستان که در راه آزادی مازندران و سیستان و بلوچستان با نهایت احترام مسرور میگردیم چنانکه نمایندگان معظم اطلاع دارند سالیان متمادی است اوضاع ممالک این ملت و کشور و امنیت آنها و اقتصادی و سیاسی در زیر چنگ مال مورین دست خوار واقع گردیده بود در باره ملت نجیب کردستان اشای ظالم و ستم را برداشته و روش فاشیستی را در خاک کردستان ادامه میدادند تاچار ملت و شهادت و قربانان کرد با پیروی کردن و ضایع شدن حقوق چندین هزار ساله خود بپایزد و راه آزادی که سرشت نمایندگان قیام کرده با بهترین وضع کنونی دایه شدن توانست ملت خود را از زنجیر برداشته و این ملت را با نهایت و احترام و آسایش لازمه در سرنا حیات کردستان کشورها و فرامووش بشماره ترقی سوق داده بنایرین استعمار آزادی و وحدت ملی این ملت را تا بد استوار کرده و انتظار داریم با تمام مثنی قوای خود منظم و نظام داشته که احساسات پلک ما بیچیزه وار نکرد.